



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

عاشورا

خاستگاه انقلاب اسلامی ایران

مرتضی شبرودی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عاشورا، خاستگاه انقلاب اسلامی ایران

نویسنده:

مرتضی شیروودی

ناشر چاپی:

حکومت اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	عاشورا، خاستگاه انقلاب اسلامی ایران
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	رهبری
۸	اشاره
۹	تکلیف‌گرایی
۹	قاطعیّت و شجاعت
۹	اتکال به خدا
۱۰	اسلام
۱۰	تقیه
۱۱	بدعت ستیزی
۱۲	شهادت طلبی
۱۲	عدالت خواهی
۱۲	اشاره
۱۳	مردم
۱۵	پاورقی
۱۸	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

عاشورا، خاستگاه انقلاب اسلامی ایران

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۱-۴۹۸۷۱

سرشناسه: شیروودی، مرتضی

عنوان و نام پدیدآور: عاشورا، خاستگاه انقلاب اسلامی ایران/ شیروودی، مرتضی

منشأ مقاله: ، حکومت اسلامی، ش ۲۷، (بهار ۱۳۸۲): ص ۳۹۶ - ۴۱۸.

توصیفگر: قیام عاشورا

توصیفگر: انقلاب اسلامی ایران

توصیفگر: عوامل عقیدتی

توصیفگر: عوامل دینی

توصیفگر: حسین بن علی (ع)، امام سوم

توصیفگر: رهبری

توصیفگر: شجاعت

توصیفگر: مسوولیت پذیری

توصیفگر: توکل

توصیفگر: تقیه

توصیفگر: شهادت

توصیفگر: عدالت

توصیفگر: امام خمینی (ره)

مقدمه

در مقام تحلیل انقلاب اسلامی ایران، یک رویکرد، آن را ملهم از نهضت حسینی و مکتب عاشورایی می‌داند و در همین بستر با بررسی عوامل اصلی محدثه انقلاب، آنها را عوامل مبقیه انقلاب نیز دانسته، بر حفظ و استمرار آنها پای می‌فشارد. نویسنده در این مقاله با مفروض گرفتن تأثیر پذیری انقلاب اسلامی ایران از نهضت امام حسین (ع) به دنبال نشان دادن نوع تأثیر گذاری عاشورا بر انقلاب اسلامی و تداوم آن است و در این راستا عناصر رهبری، مکتب و ملت را در هر دو حرکت با معرفی شخصیت رهبران جبهه‌های حق و باطل به بحث می‌گذارد. مقاله حاضر می‌کوشد، به این سؤالات پاسخ دهد: ۱. آیا عاشورا بر انقلاب اسلامی تأثیر گذاشته است؟ ۲. اگر عاشورا بر انقلاب اسلامی تأثیر داشته در چه زمینه‌ها و به چه صورتی بوده است؟ ۳. آیا عاشورا، همان گونه که در پیدایش و پیروزی انقلاب اسلامی تأثیر گذاشت، قادر است بر تداوم آن نیز تأثیر بگذارد؟ نیل به این مقصود و هدف، چگونه و از طریق پیمودن چه راه‌هایی امکان‌می‌یابد؟ اگر چه تأثیر گذاری عاشورا بر انقلاب اسلامی و تداوم آن، از نظر نگارنده مسلم و بدیهی است، به همین دلیل، آن را به عنوان مفروض برگزیده است، اما به جهت آن که بر خوانندگان نیز این قطع و یقین حاصل شود، دو دلیل در اثبات آن اقامه می‌کنیم: دلیل اول: امام خمینی (ره) به شکل‌های مختلف بر چنین تأثیری اشاره کرده‌اند. به عنوان مثال: «حجت ما برای این مبارزه‌ای که بین مسلمین و... این دستگاه فاسد است، حجت ما در جواز و لزوم این عمل... عمل سیدالشهدا

(ع) است... حجت‌مان بر این است که اگر چنانچه این مبارزه را ادامه بدهیم و صدهزار از ما کشته بشود برای رفع ظلم... برای این که دست آنها را از این مملکت اسلامی کوتاه کنیم، ارزش دارد. حجت‌مان هم کار حضرت امیر (ع)، و سیدالشهدا است. [۱]. گمان نکنید که اگر این مجالس عزا نبود و اگر این دستجات سینه‌زنی و نوحه‌سرایی نبود، ۱۵ خرداد پیش می‌آمد [۲]... تمام این وحدت کلمه‌ای که مبدأ پیروزی ما شد، برای خاطر این مجالس عزا و این مجالس سوگواری و این مجالس تبلیغ و ترویج اسلام شد... اگر قیام سیدالشهدا سلام الله علیه نبود، امروز هم ما نمی‌توانستیم پیروز شویم. [۳]... انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است. [۴]... کربلا را زنده نگه دارید و نام مبارک حضرت سیدالشهدا را زنده نگه دارید که با زنده بودن او اسلام زنده نگه داشته می‌شود. [۵]. دلیل دوم: بیشتر منابعی که زمینه‌های زایش عاشورا و انقلاب اسلامی را کاویده‌اند، به مشترکات فراوان این دو اشاره دارند، از جمله: الف. درباره عاشورا، برخی نوشته‌اند: فرهنگ و تعالیم عاشورا دارای زمینه‌هایی است که نمونه‌هایی از آن عبارتند از: ۱. فرهنگ شهادت، ۲. فرهنگ مبارزه مستمر حق با باطل، ۳. فرهنگ طاغوت ستیزی و طاغوت زدایی، ۴. اصل پیروی از رضای خدا و مصالح مسلمین، ۵. فرهنگ پیشگیری از جرم و فساد قبل از وقوع آن، ۶. فرهنگ نظارت عمومی و امر به معروف و نهی از منکر. [۶]. ب. دیدگاه امام خمینی (ره) در باره انگیزه‌های قیام امام حسین (ع) عبارت است: ۱. عمل به تکلیف الهی، ۲. تشکیل حکومت اسلامی، ۳. نشر اسلام و بقای آن، ۴. امر به معروف و نهی از منکر، ۵. نجات اسلام از خطر تحریف، ۶. اصلاح امت و جامعه اسلامی، ۷. ظلم ستیزی و عدالت‌خواهی [۷].. ج. در باره انقلاب اسلامی. برخی عوامل پیدایش انقلاب اسلامی را به این شرح توضیح داده‌اند: ۱. مذهب، ۲. سلطه بیگانگان، ۳. رهبری حضرت امام خمینی (ره)، ۴. شعار جدایی دین از سیاست، ۵. اسلام زدایی نظام حاکم، ۶. بیگانه بودن نظام حاکم با مردم، ۷. تحقیر شخصیت انسانی مردم، ۸. وحدت و یکپارچگی ملت. [۸]. د. برخی زمینه‌های انقلاب را به این شرح بر می‌شمارند: ۱. ایجاد نارضایتی عمیق در مردم از شرایط حاکم، ۲. وجود رهبری و ساختارهای اجتماعی و سیاسی بسیج‌گر، ۳. گسترش روحیه انقلابی و مشارکت مردمی، ۴. گسترش و پذیرش اندیشه حکومت اسلامی، ۵. مبارزه خشونت بار مردم با دولت. [۹]. بنابراین، شناخت و تبیین عوامل مؤثر در شکل‌گیری انقلاب اسلامی، بدون توجه به نقشو تأثیر نهضت بزرگ امام حسین (ع)، شناختی ناقص و به دور از واقع است. [۱۰]. البته، اجمالی که از تأثیر عاشورا بر انقلاب اسلامی سخن گفتیم، برای درک عمیق این تأثیر، نارساست، ثانیاً بدون قالب بندی و پراکنده است. از این رو، مقاله تلاش خواهد کرد تأثیر عاشورا در پیدایش انقلاب اسلامی را در سه قالب: رهبری، ایدئولوژی (اسلام) و مردمنشان دهد، زیرا بیش تر منابع مربوط به انقلاب اسلامی، این سه عامل را تنها عوامل زادن انقلاب اسلامی و تداوم آن بیان می‌کنند: ۱. «پیروزی انقلاب اسلامی، بطلان بسیاری از نظریه‌ها را به اثبات رساند و ثابت کرد نباید هر پدیده‌ای را در لابراتور تجربی آزمایش کرد. پیداست این همه، جز از طریق امدادهای الهی و فرهنگ غنی اسلام و رهبری خردمندانه امام خمینی و فداکاری‌های ملت سلحشور و اتحاد و همدلی همه اقشار ملت امکان‌پذیر نبود.» [۱۱]. ۲. «عامل اصلی که موجب بروز و پیروزی انقلاب اسلامی گردیده است، عامل اسلام زدایی شاه بوده است... مسلماً غیر از این عامل، باید عامل وحدت بخش و حرکت آفرین رهبری دینی و مرجعیت والا مقامی نظیر امام خمینی را نباید به باد فراموشی سپرد... بنابراین، مهم‌ترین عوامل بروز و پیروزی انقلاب را باید در دو مفهوم کلی دید: الف. روح اسلام خواهی و خداخواهی مردم (امت) ب. رهبری دینی مورد قبول عامه مردم (امام).» [۱۲]. ۳. «امام به عنوان وصل میان مردم و اسلام، با درس از نهضت عاشورا، محتوای سیاسی - انقلابی اسلام را بدان بازگرداند. همان گونه که مکتب اسلام، رهبری امام و حضور مردم، سه عامل اصلی محدثه انقلاب به حساب می‌آیند، همین سه عامل به عنوان مبقیه انقلاب نیز محسوب می‌گردند.» [۱۳]

اشاره

در رأس قیام عاشورا، امام حسین (ع) و در فراز انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) قرارداد داشت. یزید بن معاویه و محمدرضا پهلوی در سوی دیگر این دو نهضت بودند. ۱. حسین بن علی (ع) امام خود را این گونه معرفی می‌کند: «ما دودمان پیامبریم و به عهده‌داری این امر (حکومت) و ولایت بر شما، از دیگرانی که به ناحق مدعی آنند و میان شما به ستم و تجاوز حکومت می‌کنند، سزاوار تریم». [۱۴]. حسین (ع) خطاب به ولید، هنگامی که از او خواست با یزید بیعت کند، فرمود: «ما خاندان نبوت و معدن رسالت و محل رفت و آمد فرشتگان و نزول رحمت‌ایم. خداوند به ما آغاز کرده و به ما ختم نموده است». [۱۵]. امام در اعتراض به سخنان معاویه در مدینه که فضایل یزید را برمی‌شمارد، فرمود: «کسی را وانهاده‌ای که از نظر پدر و مادر و صفات شخصی از یزید بهتر است!» معاویه گفت: گویا خودت را می‌گویی؟! حضرت فرمود: آری». [۱۶]. در جای دیگر فرمود: به خدا قسم! من به خلافت شایسته‌ترم، پدرم بهتر از پدر یزید است، جدم برتر از جداوست، مادرم بهتر از مادر اوست و خودم بهتر از اویم». [۱۷]. ۲. یزید بن معاویه امام حسین (ع) در نامه‌ای به معاویه نوشت: «جوانی را به ولایت امر مردم تعیین کرده‌ای که شراب می‌خورد و با سگ، بازی می‌کند! به امانت خود خیانت کرده و مردم را تباه ساخته‌ای. چگونه یک شرابخوار را به تولیت امور امت محمد (ص) می‌گماری؟! شرابخوار که امین بر یک درهم نیست، چگونه نسبت به امت امین باشد؟!» [۱۸]. «یزید، خودش گواه رأی اوست. او برای همان کارهایی که مشغول است مثل بازی با سگ‌ها، کبوتربازی، نوازندگی و عیاشی، بهتر است. بیش از این بار ستم بر دوش مکش». [۱۹]. یزید در سه سال پادشاهی، سه جنایت فجیع مرتکب شد: اول، در ۶۱ هجری، امام حسین (ع) و خاندان عصمت و طهارت و یاران او را به شهادت رساند. دوم، در ۶۳ هجری، به مدینه حمله کرد و به مدت سه روز، یاران وی مردم شهر را کشتند؛ اموال آنان را به غارت بردند و زنان شان را غاصبانه به ملک خود درآوردند. سوم، در ۶۴ هجری، به بهانه سرکوبی عبدالله بن زبیر که در خانه خدا پناه گرفته بود، بهمکه حمله برد و خانه خدا را با منجنیق به سنگ و آتش بست. ۳. امام خمینی (ره) [۲۰]. مقام معظم رهبری در معرفی حضرت امام (ع) فرمود: «امام خمینی (ره) آن چنان بزرگ بود که در میان بزرگان و رهبران جهان و تاریخ، به جز انبیا و اولیای معصومین (ع) به دشواری می‌توان کسی را با این ابعاد و با این خصوصیات تصور کرد... آن بزرگوار، قدرت ایمان را با عمل صالح، اراده پولادین را با همت بلند، شجاعت اخلاقی را با حزم و حکمت، صراحت لهجه و بیان را با صدق و متانت، صفای معنوی و روحانی را با هوشمندی و کیاست، تقوا و ورع را با سرعت و قاطعیت، ابهت و صلابت رهبری را با رقت و عطوفت و خلاصه بسی خصال نفیس و کمیاب را که مجموعه آن در قرن‌ها و قرن‌ها به ندرت ممکن است در انسان بزرگی جمع شود، همه و همه را با هم داشت. الحق شخصیت آن عزیزبگانه، شخصیتی دست نیافتنی و جایگاه والای انسانی او جایگاهی دور از تصور و اساطیر گونه بود». [۲۱]. ایشان در جای دیگر فرمود: «او عبد صالح و بنده خاضع خدا و نیایشگر نیمه شب‌ها و روح بزرگ زمان ما بود. او الگوی کامل یک مسلمان و نمونه بارز یک رهبر اسلامی بود. او به اسلام عزت بخشید و پرچم قرآن را در جهان به اهتزاز در آورد و ملت ایران را از اسارت بیگانگان نجات داد و به آنان غرور و شخصیت و خودباوری بخشید و او صلاهی استقلال و آزادی را در سراسر جهان سرداد و امید را در دل‌های ملل تحت ستم جهان زنده کرد. [۲۲]. امام خمینی (قدس سره) پدر مهربان، معلم دلسوز، مرشد حکیم، دیده‌بان همیشه بیدار، طیب درد و درمان شناس، سرش رحمت خدا بر امت، یادگار انبیا و اولیا در زمین بود... امام خمینی (قدس سره) یک حقیقت همیشه زنده است. راه او، راه ما؛ هدف او، هدف ما و رهنمود او، مشعل فروزنده ما است». [۲۳]. ۴. محمد رضا پهلوی یکی از نویسندگان می‌نویسد: «شاه فردی بود که آن قدر از اموال این ملت بیچاره را به حساب‌های شخصی خود در بانک‌های خارج واریز کرد که طبق آمار منتشره در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سود خالص سرمایه‌گذاری‌های شاه در دنیا در هر دقیقه بیش از شصت هزار دلار و سود سالانه او بالغ بر سه میلیارد دلار بوده است». [۲۴]. از خیانت‌های بزرگ شاه به ملت ایران، جشن تاج‌گذاری بود که از بیستم مهر تا بیستم آبان ۱۳۴۶ برگزار شد. بخشی از هزینه‌های این جشن عبارت بود از: تاج

شاه با ۳۳۸۰ قطعه الماس، ۵۰ قطعه زمرد و ۳۶۸ حبه مروارید به وزن دو کیلو و هشتاد گرم و از نظر قیمت، غیر قابل تخمین. تاج همسر شاه با ۱۶۴۶ قطعه الماس و تعداد مشابهی از جواهرات دیگر و طلا به قیمت تخمینی چهارده میلیون دلار. پیراهن همسر شاه مزین به چهل هزار الماس. وان حمام بلورین ۷۵ هزار دلار و هزینه درشکه مخصوص ۱۵۰ هزار دلار. [۲۵]. امام خمینی (ره) بیش از هر کس، به امام حسین (ع) شبیه بود و محمدرضا پهلوی به یزید بن معاویه. و این مقایسه که از سوی روحانیت و مردم صورت می گرفت، از عوامل بروز و پیروزی انقلاب اسلامی به شمار می رود. برای تأیید این سخن، می توان به بخشی از یک سند از مجموعه اسناد منتشره شده سفارت آمریکا استناد کرد: روحانیون مسلمان کشور از جمله جسورترین منتقدین شاه به حساب می آیند. در یکی از بحث های مرسوم احساسی، شاه را با یزید که مسؤول قتل امام حسین (ع) در قرن هفتم بود مقایسه می نمایند. این رویداد تاریخی شیعه، هسته اصلی اسلام مرسوم در ایران بود و هر ساله در صدها نقطه از کشور با برپایی نمایش های دراماتیک نحوه قتل امام حسین (ع) و خانواده اش را در اذهان زنده می کنند. [۲۶]. چرا چنین مقایسه ای به پیروزی انقلاب اسلامی مدد رساند؟ به آن دلیل که، حاصل این مقایسه آن بود که در یک سو امام نور و در سوی دیگر امام شرّ را می دیدند. به بیان دیگر، در امام عادل زمان، صفاتی را می یافتند که به اسلام واقعی نزدیک تر بود و از این رو، وی را حسین زمان و شایسته دفاع می دیدند. بخشی از این صفات را مرور می کنیم:

تکلیف گرایی

وقتی دو نفر از سوی والی مکه برای امام حسین (ع) امان نامه آوردند تا از ادامه سفر بازدارند، فرمود: «در خواب، پیامبر خدا را دیدم. به چیزی فرمان یافته ام که در پی آن خواهم رفت، به زیانم باشد یا به سودم». [۲۷]. زمانی که فرزدق از اوضاع نامطمئن کوفه گزارش داد، امام فرمود: «اگر قضای الهی بر همان چه که دوست می داریم، نازل شود، خدا را بر نعمت هایش سپاس می گوئیم... و اگر تقدیر الهی میان ما و آن چه امید داریم، مانع شد، پس کسی که نیتش حق و درونش تقوا باشد، از حق تجاوز نکرده است». [۲۸]. امام خمینی (ره) هم در این باره فرمود: «حضرت سیدالشهدا تکلیف برای خودش دانستند که بروند و کشته بشوند و محو کنند آثار معاویه و پسرش را». [۲۹]. امام خمینی (ره) با درک پیام عاشورا، در سراسر زندگی سیاسی اجتماعی خویش بر معیار تکلیف عمل کرد و حرکت نمود و عقیده داشت: «همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه ایم، نه مأمور (به) نتیجه». [۳۰]. به هنگام پذیرش قطع نامه ۵۹۸ فرمود: «شما را می شناسم، شما هم مرا می شناسید. در شرایط کنونی آن چه موجب امر (قبولی قطعنامه) شد تکلیف الهی ام بود». [۳۱].

قاطعیت و شجاعت

ایمان راسخ به ادای تکلیف، شجاعت و قاطعیت می آفریند. به این دلیل، امام حسین (ع) پس از برخورد با سپاه حر فرمود: «شأن و موقعیت من، موقعیت کسی نیست که از مرگ بهراسد». [۳۲]. در جایی دیگر فرمود: «نه دست ذلت به اینان می دهم و نه چون بردگان فرار یا اقرار می کنم». [۳۳]. تعبیر امام خمینی (ره) از شجاعت و قاطعیت امام حسین (ع) این بود که «ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد، ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد». [۳۴]. امام با درس گرفتن از عاشورا فرمود: «من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می کنم که اگر جهان خواران بخوانند در مقابل دین مابایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نبودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست». [۳۵]. بنابراین جای شگفتی نیست که بفرماید: «والله من به عمرم نترسیدم». [۳۶].

انکال به خدا

امام حسین (ع) در پاسخ به سخنان ضحاک بن عبدالله مشرقی، مبنی بر آمادگی کوفیان برای جنگ با سیدالشهدا فرمود: «حسبی الله و نعم الوکیل؛ خدا برای من بس است و او خوب پشتیبان و تکیه گاهی است.» [۳۷]. حسین بن علی (ع) در صبح عاشورا با آغاز حمله دشمن، در نیایش به درگاه خدا، اتکال و اعتماد به پروردگار در گرفتاری و پیشامدهای سخت را ضروری دانست و خدا را به عنوان عامل پشتگرمی و اطمینان نفس و نیروی حمایتگر و پشتیبان خویش خواند. [۳۸]. امام خمینی (ره) نیز به پیروی از جدش با اتکای بر قدرت لایزال الهی به تنهایی و بادت خالی قیام کرد و به نتیجه رسید و در طول دوران انقلاب هیچ گاه مأیوس نگشت. این صفات و صفات متعدد دیگر نشان می‌دهد یک عامل جاودانگی قیام عاشورا و به تأثیر از آن، عامل پیروزی انقلاب اسلامی در بُعد رهبری الهی آن دو بود.

اسلام

دین اسلام و مذهب تشیع از عوامل انقلاب حسینی (ع) و انقلاب خمینی (ره) بودند. اسلامی که امام حسین (ع) و امام خمینی (ره) منادی آن بودند، با اسلام اموی، زبیری و امریکایی تفاوت داشت. اسلام بنی‌امیه و اسلام عبدالله بن زبیر و اسلام آمریکایی، هیچ گاه قادر به انقلاب و جاودانه شدن نبوده‌اند. باید اثبات کرد اسلام امام حسین و امام خمینی یکسان و با اسلام دیگران متفاوت بود: «حرکت امام نه تنها موج جدید بازگشت به اسلام را که در میان اقشار تحصیل کرده و دانشجویی پا گرفته بود، در ابعاد گسترده‌ای تقویت نمود، بلکه در رابطه مذهب و سیاست و مذهب و حکومت داران تغییرات تاریخی پدید آورد [۳۹].... (ایشان) در ظرف دو دهه توانستند چهره نوینی از اسلام بسازند. چهره‌ای مترقی، انقلابی، مبارز. چهره‌ای که از خود هم حکومت و سیاست داشت و هم اقتصاد و آیین کشورداری. اسلامی که به خفقان، دیکتاتوری و استبداد پایان می‌داد و به جای آن آزادی، حرمت اندیشه و تأمین حقوق اجتماعی انسان‌ها را جایگزین می‌ساخت. اسلامی که به نفوذ ابرقدرت‌ها در ایران پایان می‌داد و به جای آن ایرانی مستقل و متکی به خود می‌ساخت. اسلامی که فساد مالی و حکومتی رژیم را از بین می‌برد و به جای آن نظام امین و مردمی با کارگزارانی صدیق و مؤمن بر پا می‌نمود. در یک کلام، این اسلام احیا شده همه آن چیزی بود که رژیم شاه نبود و همه آن چیزهایی را پدید می‌آورد که رژیم شاه نخواست یا نتوانسته بود پدید بیاورد. با چنین تصویری بود که اسلام توانسته بود بر قلوب طیف گسترده‌ای از اقشار و طبقات مختلف جامعه ایران (تأثیر بگذارد)... با چنین تصویری از... اسلام توانست میلیون‌ها نفر را در اعتراض و مخالفت با رژیم شاه به حرکت درآورد.» [۴۰]. امام حسین (ع) در نامه‌ای به مردم بصره می‌نویسد: «شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر دعوت می‌کنم، زیرا در شرایطی قرار گرفته‌ایم که دیگر سنت پیامبر از میان رفته و جای آن بدعت قرار گرفته است.» [۴۱]. نیز در جای دیگر فرمود: «من برای تفریح و تفرج و استکبار و خود بزرگ‌بینی، نیز برای فساد و خرابی و ظلم و ستم و بیدادگری قیام نکردم، بلکه خروج من برای اصلاح امت جدم محمد صلی الله علیه و آله است. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر نمایم و به سیره و سنت جدم و آیین و روش پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام رفتار کنم.» [۴۲]. سخنان امام (ع) نیز نشان می‌دهد او منادی اسلامی است که با اسلام یزید فرق می‌کند. همچنان که اسلامی که امام منادی آن بود، همان اسلام حسینی و مخالف اسلام پهلوی بود. اسلام امام حسین (ع) و اسلام امام خمینی (ره) چه تفاوت‌هایی با اسلام یزیدی و اسلام پهلوی داشت؟ به برخی از تفاوت‌ها اشاره می‌کنیم:

تقیه

تقیه ریشه در قرآن و سنت دارد. در قرآن می‌خوانیم: «مؤمنان، به جای مؤمنان کافران را به دوستی نگیرند. هر که چنین کند، پیوندی با خدا ندارد، مگر آن که از آنها ترسی داشته باشد.» [۴۳]. در سیره پیامبر آمده است: زمانی که عمار با چشمان گریان، نزد

پیامبر(ص) آمد و از این که خدایانِ مشرکان را ستایش کرده، شرمسار بود، پیامبر کاری را که برای حفظ جان‌ش انجام داده بود، تأیید کرد. [۴۴]. اما این حکم قطعی برای همه زمان‌ها و مکان‌ها نیست. به همین دلیل، امام حسین (ع) تقیه را در آن مقطع حرام کرد. از این رو روز هشتم ذی الحجه ۶۰ هجری، با تبدیل حج تمتع به عمره تصمیم به قیام علنی علیه یزید گرفت و عزم خروج به سوی کوفه کرد. افراد مختلف از دوست و دشمن ایشان را از این کار منع کردند و به همراهی با جماعت فرا خواندند ولی امام پیشنهاد همه را رد کرد و در پاسخ نمایندگان والی مکه فرمود: «الی عَمَلی و لَکُم عَمَلُکُم اَنْتُمْ بَرِیْتُونَ مِمَّا اَعْمَلُ و اَنَا بَرِی مِمَّا تَعْمَلُونَ؛ عمل من برای من و عمل شما برای خودتان است. شما از کار من بیزارید و من از کارهای شما بیزارم.» [۴۵]. امام خمینی (ره) پس از حادثه حمله دژخیمان شاه به مدرسه فیضیه در ۱۳۴۲ در تلگرافی به آیات عظام تهران نوشت: «اینان با شعار شاه دوستی به مقدسات مذهبی اهانت می‌کنند. شاه دوستی یعنی غارتگری، هتک اسلام، تجاوز به حقوق مسلمین، تجاوز به مراکز علم و دانش. شاه دوستی یعنی ضربه زدن به پیکر قرآن و اسلام، سوزاندن نشانه‌های اسلام، محو آثار اسلامیت. شاه دوستی یعنی تجاوز به احکام اسلام و تبدیل احکام قرآن کریم. شاه دوستی یعنی کوبیدن روحانیت و اضمحلال آثار رسالت. حضرات آقایان توجه دارند اصول اسلام در معرض خطر است. قرآن و مذهب در مخاطره است. با این احتمال، تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب، ولو بلغ ما بلغ.» [۴۶]. افشاگری امام خمینی که متأثر از افشاگری حسینی (ع) بود، در آگاهی بخشیدن به مردم و فروپاشی رژیم شاه تأثیر فراوان گذاشت. از شمار این افشاگری‌های شجاعانه، سخنرانی معظم‌له علیه کاپیتولاسیون است که به تبعید امام (ره) به ترکیه و عراق انجامید.

بدعت ستیزی

حضرت رسول اکرم(ص) فرمود: «هر بدعتی که پس از من پدید آید و ایمان را مورد خطر و هجوم و نیرنگ قرار دهد، ولئی از دودمان من عهده‌دار آن است که از ایمان دفاع کند و با الهام الهی زبان بگشاید و حق را علنی و روشن سازد و نیرنگ مکاران را باز گرداند.» [۴۷]. از این رو امام حسین (ع) در نامه‌ای به بزرگان بصره نوشت: «شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش دعوت می‌کنم. همانا سنت مرده و بدعت زنده شده است.» [۴۸]. آن روی دیگر بدعت ستیزی، اصلاحگری است که امام حسین (ع) از آن داد سخن داده بود. امام (ع) در یکی از خطبه‌هایش در این باره فرمود: «آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل اجتناب نمی‌گردد؟ پس در چنین وضعی باید مؤمن با مبارزه‌اش مشتاق دیدار خدا باشد.» [۴۹]. امام حسین (ع) در راه کوفه به فرزدق بر می‌خورد و می‌فرماید: «ای فرزدق! این جماعت، اطاعت خدا را وا گذاشته، پیرو شیطان شده‌اند. در زمین به فساد می‌پردازند. حدود الهی را تعطیل کرده، به میگساری پرداخته و اموال فقیران و تهیدستان را از آن خویش ساخته‌اند. من سزاوارترم که برای یاری دین خدا برخیزم. برای عزت بخشیدن به‌دین او و جهاد در راه او، تا آن که کلمه‌الله برتری یابد.» [۵۰]. امام خمینی (ره) بدعت ستیزی و اصلاحگری قیام عاشورای حسینی را مورد تأیید قرار می‌دهد و می‌فرماید: «تمام انبیا برای اصلاح جامعه آمده‌اند... و همه آنها این مسأله را داشتند که فرد باید فدای جامعه شود... سیدالشهدا (ع) روی همین میزان آمد. رفت و خودش و اصحاب و انصار خویش را فدا کرد، که باید فدای جامعه بشود. جامعه باید اصلاح بشود.» [۵۱]. نیز فرمود: «سیدالشهدا (ع) وقتی می‌بیند که یک حاکم ظالمی، جائری در بین مردم دارد حکومتی کند، تصریح می‌کند... باید مقابلش بایستد و جلوگیری کند. هر قدر که می‌تواند، با چند نفر، با چندین نفر که در مقابل آن لشکر هیچ نبود، لکن تکلیف بود آن جا که باید قیام بکند و خونش را بدهد تا این که این ملت را اصلاح کند.» [۵۲]. امام (ره) به تأسی از قیام عاشورا، راه خویش را بدعت زدایی و اصلاح طلبی قرارداد. وی در این باره فرمود: «ما باید سعی کنیم تا حصارهای جهل و خرافه را شکسته، تا به سرچشمه زلال اسلام ناب محمدی (ص) برسیم، و امروز غریب‌ترین چیزها در دنیا همین اسلام است و نجات آن قربانی می‌خواهد و دعا کنید من نیز یکی از قربانی‌های آن گردم.» [۵۳]. معظم‌له افزود: «اگر ما اسلام را در خطر دیدیم، همه‌مان باید از بین برویم تا حفظش کنیم.» [۵۴]. همان‌طوری که مشهود است، بدعت ستیزی امام حسین (ع) هدف

امام خمینی (ره) در نهضت بزرگ انقلاب اسلامی قرار گرفت.

شهادت طلبی

اسلام حسینی (ع) بر شعار و شعور «إِخْدَى الْحُسَيْنِينَ»، «مَرِحَبًا بِالْقَتْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» و «أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً» استوار است. در یکی از نیایش‌های امام حسین (ع) در روز عاشورا می‌خوانیم: «خدایا! دوست دارم که کشته شوم و زنده گردم، هفتاد هزار بار در راه اطاعت و محبت تو، به خصوص اگر در کشته شدنم نصرت دین تو و زنده شدن فرمانت و حفظ ناموس شریعت تو نهفته باشد.» [۵۵]. و در جای دیگر فرمود: «مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است.» [۵۶]. شهادت‌طلبی امام معصوم (ع) ناشی از اعتقاد به جهاد بود. از این رو فرمود: «من سزاوارترین کسی هستم که به یاری دین خدا برخیزم و شریعت مطهر او را عزیز بدارم و در راه او جهاد کنم تا کلام الهی برترین شود.» [۵۷]. در زیارت نامه‌های امام حسین (ع) نیز واژه‌های جهاد و شهادت را فراوان می‌یابیم. به عنوان مثال: أَرْاهِدُ الذَّائِدَ الْمُجَاهِدُ، جَاهِدَ فِيكَ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَفَّارَ، جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، جَاهَدْتَ الْمُلْحِدِينَ، جَاهَدْتَ عَدُوَّكَ، جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ... در باره شهادت دیگر نیز این تعبیرات دیده می‌شود: جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، الذَّابُّونَ عَنِ تَوْحِيدِ اللَّهِ، جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ. [۵۸]. امام امت (ره) به تأثیر شهادت و مجاهدت حسینی بر انقلاب اسلامی اعتراف داشت. از این رو فرمود: «نهضت دوازده محرم و پانزده خرداد (۱۳۴۲) در مقابل کاخ ظلم شاه و اجانب، به پیروی از نهضت مقدس حسینی چنان سازنده و کوبنده بود که مردانی مجاهد و فداکار تحویل جامعه داد.» [۵۹]. باز از ایشان می‌خوانیم: «عاشورا، قیام عدالت خواهان، با عددی قلیل و ایمانی و عشقی بزرگ در مقابل ستمگران کاخ‌نشین و مستکبران غارتگر بود، و دستور آن است که این برنامه، سر لوحه زندگی امت در هر روز و در هر سرزمین باشد. روزهایی که بر ما گذشت، عاشورای مکرر بود و میدان‌ها و خیابان‌ها و کوی و برزن‌هایی که خون فرزندان اسلام در آن ریخت.» [۶۰]. حضرت امام (ره) در بیاناتی دیگر، بر تأثیر شهادت و جهاد طلبی حسین (ع) بر انقلاب اسلامی اشاره دارد: «مرگ سرخ، به مراتب بهتر از زندگی سیاه است و ما امروز به انتظار شهادت نشسته‌ایم تا فردا فرزندانمان در مقابل کفر جهانی با سرافرازی بایستند...» [۶۱]. خط سرخ شهادت، خط آل محمد و علی است، و این افتخار از خاندان نبوت و ولایت به ذریه‌پیه آن بزرگواران و به پیروان خط آنان به ارث رسیده است [۶۲]. من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه دفاع از مسلمانان آماده ساخته‌ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم. [۶۳]. در این انگیزه (شهادت) است که همه اولیا شهادت را در راه آن به آغوش می‌کشند و مرگ سرخ را «أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ» می‌دانند و جوانان در جبهه‌ها جرعه‌ای از آن را نوشیده و به وجد آمده‌اند.» [۶۴].

عدالت خواهی

اشاره

عدالت فرمان خدا و رسول است. علی (ع) فرمود: «العدل حياة الأحكام؛ عدالت مایه حیات و بقای احکام اسلام است.» حرکت امام حسین (ع) و قیام عاشورا بر پایه عدالت اتفاق افتاد. امام (ع) نامه‌ای به بزرگان کوفه نوشت و تکلیف و مشخصه امام راستین را حکومت طبق قرآن و قیام به قسط و حق بر شمرد: «فَلَعَمْرِي مَا أَلِإِمَامٌ إِلَّا أَلِحَاكِمُ بِالْكِتَابِ، أَلِقَائِمُ بِالْقِسْطِ.» در سخن دیگر. حرکت خویش را برای اقامه عدل و رفع ظلم از مظلومان و ایمنی یافتن بندگان خدا یاد کرد: «وَيَأْمَنُ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ.» [۶۵]. در زیارت اباعبدالله الحسین (ع) می‌خوانیم: «شهادت می‌دهم که تو به قسط و عدالت دستور دادی و به دین دعوت کردی.» [۶۶]. مسلم پس از دستگیری، خطاب به ابن زیاد فرمود: «ما آمده‌ایم تا به عدالت فرمان دهیم و به حکم قرآن فرا بخوانیم.» [۶۷]. امام خمینی (ره) بر

عدالت‌خواهی نهضت حسینی (ع) تأکید دارد: «شهادت (امام حسین) برای این بود که اقامه شود عدل الهی... [۶۸]. سیدالشهدا سلام الله علیه همان روز اول که قیام کردند برای این امر، انگیزه‌شان اقامه عدل بود... [۶۹]. سیدالشهدا سلام الله علیه که همه عمرش را و همه زندگیش را برای رفع منکر و جلوگیری از حکومت‌مظلم و جلوگیری از مفاسدی که حکومت‌ها در دنیا ایجاد کرده‌اند، تمام عمرش را صرف این کرد و تمام زندگیش را صرف این کرد که این حکومت، حکومت جور بسته بشود و از بین برود... [۷۰]. زندگی سیدالشهدا، زندگی حضرت صاحب سلام الله علیه، زندگی همه انبیای عالم، همه انبیا از اول، از آدم تا حالا همه‌شان این معنی بوده است که در مقابل جور، حکومت عدل را می‌خواستند.» [۷۱]. تأثیر عنصر عدالت‌خواهی قیام عاشورای حسینی (ع) را در سخنان امام (ره) مشاهده می‌کنیم: «سیدالشهدا سلام الله علیه وقتی می‌بیند که یک حاکم ظالمی، جائری در بین مردم دارد حکومت می‌کند، تصریح می‌کند حضرت که اگر کسی ببیند که حاکم جائری در بین مردم حکومت می‌کند، ظلم دارد به مردم می‌کند، باید مقابلش بایستد و جلوگیری کند، هر قدر که می‌تواند، با چند یا چندین نفر... مگر خون ما رنگین‌تر از خون سیدالشهدا است؟! ما چرا بترسیم از این که خون بدهیم یا این که جان می‌دهیم؟ آن هم در ماجرای دفع سلطان جائری که می‌گفت مسلمانم مسلمانان یزید هم مثل مسلمانی شاه بود. اگر بهتر نبود، بدتر نبود.» [۷۲]. سیدالشهدا سلام الله علیه... اساس سلطنت را شکستند... اساس سلطنتی که می‌خواست اسلام را به صورت سلطنت طاغوتی در آورد. [۷۳]. حضرت سیدالشهدا (سلام الله علیه) به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائر چه باید کرد.» [۷۴]. با توجه به آنچه گذشت معلوم شد که رهبری انقلاب از لحاظ ایمان، روحیه، شجاعت و عدالت‌طلبی رهرو امام حسین بود و مردم با توجه به این همسانی، به رهبری انقلاب گرویدند و در اجابت دعوت ایشان برای تداوم عاشورای حسینی، انقلاب کردند و این از وجوه بارز تأثیر گذاری عاشورا بر انقلاب اسلامی بود.

مردم

در هیچ قیام و نهضتی، به اندازه قیام عاشورا تغییرات انسانی به وقوع نپیوسته است. این تغییرات هم در جبهه امام حسین (ع) و هم در جبهه یزید اتفاق افتاد. در جبهه حق، امام (ع) همسر، خواهر، دخترانش و زنانی چون مادر و هب، همسر زهیر بن قین و زنانی را در کنار پدران، همسران و برادران‌شان به همراه دارد. به بیانی، از طفل شش ماهه (علی اصغر) تا پیرمرد نودساله (حیب بن مظاهر) حاضرند. در جبهه باطل، جوّزدگی و ترس و تردید و هیجده هزار دعوت کننده می‌بینیم. در یک طرف، صدق و صفا و صمیمیت، در طرف دیگر، خیانت، خدعه و خودپرستی مشاهده می‌شد. یکی از صاحب‌نظران عامّه مردم آن زمان را به هفت دسته تقسیم کرده است: ۱. مردمی که از روزگار رسول خدا (ص) تا سال‌های نخست حکومت عثمان، سادگی اسلام را دیده بودند و از عدالت اسلامی آگاهی داشتند، سپس آن دوره را با آن چه جای آن را گرفت می‌سنجیدند و بر روزگار گذشته دریغ می‌خوردند... ۲. گروهی که پای بند دین و اجرای احکام اسلام بودند و می‌دیدند چگونه حدود شریعت معطل مانده و فقه اسلام و سنت رسول (ص) بازیچه حکومت‌ها گردیده است. اینان خون دلمی خوردند و روی به خدا بردند که خدایا! برسان آن را که بدعت‌ها بزداید و سنت‌ها را زنده نماید. ۳. گروهی که سال‌ها پیش برای شرکت در فتح اسلامی و برخورداری از غنیمت‌های جنگی از بیابان‌های نجد و تهامه به راه افتاده بودند و در پادگان‌ها به سر می‌بردند. آسیب‌های جنگی برای آنان بود و بهره گرفتن از بیت‌المال برای دیگران، بدین رو فرصت می‌بردند تا برخیزند و حق خود را بگیرند. ۴. مردمی از ایران که پیش از آمدن سپاهیان مسلمان بدان سرزمین جاهی یا نانی داشتند و آن را از دست دادند، ناچار روبه عراق نهادند، بیش‌تر در کوفه و کم‌تر در بصره رخت افکندند. از عجم رانده و در دیده عرب خوار، به ظاهر آرام و در نهان دست به کار. ۵. مردمی که داستان‌های درگیری لخمی و غسانی را دهان به دهان شنیده بودند و به خاطر داشتند که پدران‌شان سال‌ها با مردم سرزمین‌های شمال عربستان می‌جنگیدند و اکنون می‌دیدند شام مرکز خلافت اسلامی است و عراقیان ریشخند شامیان‌اند. ۶. کسانی که فریب وعده‌های دروغین معاویه را خوردند و علی (ع) و

فرزند او را رها کردند و چون معاویه بر مسند نشست، آنان را از خود راند. این روش حکومت‌های خودکام‌مهموده و هست. ۷. سودجویانی که بهره‌گیری را در اوضاع آشفته می‌بینند و می‌کوشند تا چنین پیش‌آید واز آن بهره‌گیرند. [۷۵]. و حال افراد فراوانی از این گروه‌های هفت‌گانه امام را به کوفه دعوت کرده‌اند و امام در اجابت این دعوت‌ها رهسپار کوفه است. امام حسین (ع) بارها بر این که علت قیام و حرکت، دعوت مردم است، تأکید کرد. به عنوان مثال: ۱. امام (ع) پس از برخورد با سپاه حر که راه را بر او بستند، فرمود: «من پیش شما نیامدم مگر پس از آن که نامه‌ها و فرستاده‌هایتان رسید که: نزد ما بیا که پیشوایی نداریم» [۷۶]. ۲. در جای دیگر، حضرت از انگیزه نامه‌نگاری و دعوت کوفیان این گونه یاد می‌کند: «إِنَّ أَهْلَ الْكُوفَةِ كَتَبُوا إِلَيَّ يَسْأَلُونَنِي أَنْ أُقْدِمَ عَلَيْهِمْ، لِمَا أَرْجُوا مِنْ أَحْيَاءِ مَعَالِمِ الْحَقِّ وَ إِمَاتَةِ الْبِدْعِ؛ كُوفِيَانِ بِه مِنْ نَامَةِ نُوْشْتَه وَ اَز مِنْ خُوَاسْتَه‌اَنْد كِه نَزْد اَنْاَنْ رُوْم، چِرا كِه اَمِيْدوا رَم نَشانه‌های حق زنده گردد و بدعت‌ها بمیرد». [۷۷]. ۳. باز امام (ع) در این باره سخنانی دارد: «مردم! شما به من نامه‌ها نوشتید و پیام فرستادید که به سوی شما بیایم و وعده دادید که دست از یاری من برندارید و پیمان شکنی نکنید». [۷۸]. تأثیر قیام کربلا نیز در قشرهای مختلف مردم نمایان بود، از جمله اعتراض عبدالله بن عمر به یزید، پنج سال عزاداری مداوم در مدینه، قیام عبدالله فرزند حنظل غسیل‌الملانکه (واقع‌ه حَزَّه)، قیام در مکه، اعتراض در بصره، قیام در کوفه، نهضت توابعین، قیام مختار بن ابی‌عبیده ثقفی، قیام زید بن علی (ع) و یحیی بن زید، قیام خراسان و سقوط امویان. نتیجه این که در پی دعوت از امام (ع)، انقلاب حسینی (ع) آغاز شد. با کناره‌گیری آنان، قیام امام به ظاهر شکست می‌خورد، و پس از آن، قیام و حرکت‌های مردمی، قیام عاشورا و پیام‌های آن را زنده نگه داشت. [۷۹]. امام خمینی (ره) بالگوگیری و درک اهمیت نقش مردم در هر حرکت انقلابی و اجتماعی، به آگاهی بخشیدن در یک دوره پانزده ساله (۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷) پرداخت؛ فرصتی که امام حسین (ع) به آن دست نیافت. البته اگر هم دست می‌یافت، شاید مردم پس از آگاهی از سفاکی و جنایات یزید، باز به یاری امام (ع) نمی‌آمدند، زیرا تفاوت‌های زیادی بین مردم ایران و مردم آن دوره عراق وجود دارد. امام خمینی بر این نکته تأکید دارد: «من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر، بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی صلوات الله و سلامه علیهما می‌باشند». [۸۰]. شرکت گسترده و نقش مردم در پیروزی انقلاب اسلامی انکارناپذیر است. امام خمینی در این باب سخنی دارد: «انقلاب اسلامی که دستاورد میلیون‌ها انسان ارزشمند و هزاران شهید جاوید (است)... اگر نبود دست توانای خداوند، امکان نداشت یک جمعیت سی و شش میلیونی با آن تبلیغات ضداسلامی... ممکن نبود این ملت با این وضعیت، یکپارچه قیام کنند و در سرتاسر کشور با ایده واحد و فریاد الله اکبر و فداکاری‌های حیرت‌آور و معجزه آسا تمام قدرت‌های داخل و خارج را کنار زده و خود مقدرات کشور را به دست گیرد». [۸۱]. اما نکته جالب در این روند پیوند و الگوگیری مردم از عاشورای حسینی (ع) و حرکت از مساجد و تکایا است. به چند نمونه در این باره توجه کنید: «تظاهرات ۲۵۰ تا ۴۰۰ هزار نفری با توجه به جمعیت ۵ / ۱ میلیونی تهران در روز عاشورای ۱۳۸۳ ق. / ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ ش. از مسجد حاج ابوالفتح در میدان قیام (میدان شاه) آغاز و به مسجد امام (مسجد شاه) ختم شد. [۸۲]. «سخنرانی معروف امام (ره) در عصر عاشورای ۱۳۸۳ ق. / ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ در مدرسه فیضیه آغاز شد که منجر به دستگیری و بازداشت و زندانی شدن امام (ره) گردید و در اعتراض به دستگیری امام، حرکت‌های مردمی در مساجد شهرهای مختلف شکل گرفت». [۸۳]. «راهپیمایی دوازدهم محرم ۱۳۸۴ ق. / ۱۳۴۳ ش. از مسجد امام آغاز گردید. این راهپیمایی برای بزرگداشت پانزده خرداد صورت گرفت که امام (ره) آن را ایام الله نامیده بود. سربازان رژیم شاه نیز به سرکوب آن پرداختند». [۸۴]. «در سالگرد قیام مردم و کشتار آنان توسط رژیم پهلوی، صدها نفر از طلاب و روحانیون قم در مدرسه فیضیه در پانزده خرداد ۱۳۵۴ ش. اقدام به تجمع، سخنرانی و تظاهرات کردند. نیروهای امنیتی و انتظامی با طلاب درگیر، تعدادی را زخمی، تعدادی را زندانی، تبعید یا به سربازی فرستادند». [۸۵]. «داریوش همایون می‌گوید: پس از مرگ پسر (آیه الله) خمینی، آن مجلس یادبودی که برایش در مسجد ارگ برگزار کردند، نقطه تجمعی شد برای همه قشرهای پیشرو و لیبرال و آزادی خواه و جبهه ملی و

چپ، هر چه که بود، غیر از نظام حکومتی، چهره‌های برجسته‌اش آنجا ظاهر شدند. پیدا بود که رهبری مذهبی توانسته است که همه این‌ها را جمع بکند و بسیج بکند.» [۸۶]. «قیام نوزده دی ۱۳۵۶ش. در اعتراض به چاپ مقاله توهین آمیز علیه امام (ره) و در کنار حضرت معصومه (ع) شروع گشت که نقطه عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی است. در این روز تعدادی شهید شدند.» [۸۷]. «حدود چهار میلیون نفر در تهران در عاشورای ۱۳۹۹ق. / ۱۳۵۷ش. علیه رژیم شاه دست به تظاهرات زدند و شعار مرگ بر شاه سردادند. پس از آنها ژنرال هایزر روانه تهران شد و شاه متقاعد گردید یک چهره به ظاهر ملی را به عنوان نخست‌وزیر برگزیده و خود، ایران را ترک کرد.» [۸۸]. «مردم برای نشان دادن همبستگی و عزم خود بر ادامه مبارزه تا برپایی جمهوری اسلامی، راهپیمایی عظیم اربعین را برپا کردند که در آن فریاد الله اکبر و درود بر خمینی توسط چند میلیون زن، مرد و کودک، دنیا را به تعجب و حیرت واداشت.» [۸۹]. ارتباط بین مردم، عاشورا، مسجد و انقلاب اسلامی را در گزارش‌های ساواک مشاهده می‌کنیم، به عنوان مثال: شهربانی کل کشور از: کمیته مشترک ضد خرابکاری به: ریاست پلیس تهران، تاریخ: ۱۸ / ۹ / ۱۳۵۱ موضوع: مساجد هدایت، الجواد و حسینییه ارشاد همان طوری که اطلاع دارند از فعالیت مساجد هدایت، الجواد و حسینییه ارشاد که اقدامات آنها مخالف مصالح کشور بود، جلوگیری به عمل آمد تا بامذاکره با مسؤولین مساجد و حسینییه مزبور اقدامات آنها در آینده با مصالح کشور هماهنگی داشته باشد. علی هذا نظر به این که توافقی‌هایی که با واقفین و هیأت مؤسس مساجد و حسینییه موصوف به عمل آمده، از این به بعد کلیه مسائل مربوط به این سه مؤسسه مذهبی زیر نظر مستقیم سازمان اوقاف خواهد بود و سرکار سرهنگ خدیوزاد به نمایندگی از طرف سازمان اوقاف فعالیت‌ها و هرگونه فعل و انفعالات مساجد هدایت، الجواد و حسینییه ارشاد نظارت مستقیم خواهد داشت. [۹۰]. سرری وزارت جنگ فرمانداری نظامی تهران و حومه از: ستاد فرمانداری نظامی تهران و حومه (رکن ۲) تاریخ: ۷ / ۹ / ۱۳۵۷ موضوع: دستور العمل تشکیل مجالس عزاداری در ماه‌های محرم و صفر ۱. منظور: برقراری روش یکنواخت و پیش بینی‌های لازم جهت برگزاری مجالس عزاداری در ماه‌های محرم و صفر سال ۱۳۹۹ هجری قمری. ۲. هدف: جلوگیری از هرگونه بی‌نظمی و اختلال در جریان برگزاری مجالس عزاداری. ۳. اجرا: الف) از طریق دولت به طور قاطع طی اعلامیه‌ای نکاتی را که مردم بایستی در ایام عزاداری ماه‌های محرم و صفر رعایت نمایند، وسیله دستگاه‌های ارتباط جمعی ابلاغ می‌گردد. ب) در شهرهایی که مقررات حکومت نظامی برقرار می‌باشد، اجرای دستورات در باره نحوه برگزاری مجالس عزاداری با فرمانداری نظامی بوده و در سایر شهرها با شهربانی و ژاندارمری محل می‌باشد. پ) مجالس عزاداری در مساجد، تکایا و حسینییه‌ها در تهران و شهرستان‌ها محدود گردد، به طوری که در حوزه استحفاظی هر کلانتری بیش از دو مجلس تشکیل نشود... [۹۱].

باورقی

- [۱] صحیفه نور، ج ۳، ص ۸.
- [۲] همان، ج ۱۶، ص ۲۰۶.
- [۳] همان، ج ۱۷، ص ۶۰.
- [۴] همان، ج ۱۸، ص ۲۲.
- [۵] ص ۱۲.
- [۶] هاشم هاشم زاده هریسی، اصول فرهنگ و تعالیم عاشورا، چکیده مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی (ره) و فرهنگ عاشورا (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴، ص ۱۸۹).
- [۷] علی ربانی گلپایگانی، انگیزه‌ها و دستاوردهای قیام امام حسین (ع) از دیدگاه امام خمینی (ره)، همان، ص ۲۱۷.
- [۸] حبیب الله طاهری، انقلاب و ریشه‌ها (تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹) ص ۱۶۵ - ۱۷۵.

- [۹] جمعی از نویسندگان، انقلاب اسلامی چرایی و چگونگی رخداد آن، ویراست سوم (قم: معارف، ۱۳۷۹) ص ۱۵.]
- [۱۰] جمیله کدیور، نقش عاشورا در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی ایران، چکیده مقالات...، همان، ص ۱۴۰.
- [۱۱] حمید دهقان، پژوهشی نو پیرامون انقلاب اسلامی (قم: مدین، ۱۳۷۷، ص ۱۷۷).
- [۱۲] مجید کاشانی، جامعه‌شناسی انقلاب (تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۶) ص ۲۴۸.
- [۱۳] کدیور، همان، ص ۱۴۲.
- [۱۴] بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۷۷.
- [۱۵] محمد مهدی شمس‌الدین، ارزیابی انقلاب امام حسین (ع)، ترجمه مهدی پیشوایی (تهران، الست فردا، ۱۳۸۰) ص ۱۶۴.
- [۱۶] جواد محدثی، پیام‌های عاشورا (قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۷) ص ۴۱.
- [۱۷] همان، به نقل از: موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۲۶۸.
- [۱۸] همان، ص ۲۵۸.
- [۱۹] ص ۴۰.
- [۲۰] علی مؤمن، فرهنگ حسینی و فرهنگ یزید، چکیده مقالات، همان، ص ۱۶۶.
- [۲۱] محمد سپهری، خورشید بی غروب (تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۷).
- [۲۲] روزنامه اطلاعات، ۹ / ۳ / ۱۳۶۹، ص ۵.
- [۲۳] همان، ۱۳ / ۳ / ۱۳۶۹، ص ۶.
- [۲۴] علی اصغر حاج سید جوادی، تازمانی که شاهان و جود دارند پیامبران نیز هستند (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۸) ص ۵۷.
- [۲۵] عباسعلی عمید زنجانی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن (تهران: نشر کتاب سیاسی، ۱۳۶۹) ص ۴۷۵.
- [۲۶] علیرضا زهیری، عصر پهلوی به روایت اسناد (تهران: معارف، ۱۳۷۹) ص ۲۹۲.
- [۲۷] محدثی، همان، ص ۷۵. به نقل از: تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۹۲.
- [۲۸] همان.
- [۲۹] صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۲.
- [۳۰] کلمات قصار (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۱) ص ۵۰.
- [۳۱] صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۴۱.
- [۳۲] محدثی، همان، ص ۶۳، به نقل از: احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۶۰۱.
- [۳۳] بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۶.
- [۳۴] صحیفه نور، ج ۳، ص ۲۲۵.
- [۳۵] همان، ج ۲۰، ص ۱۱۸.
- [۳۶] همان، ص ۱۱۷.
- [۳۷] محدثی، همان، ص ۵۷.
- [۳۸] همان، به نقل از: شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۹۶.
- [۳۹] زیبا کلام، مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی (تهران: روزنه، ۱۳۷۲) ص ۸۴.
- [۴۰] همان، ص ۸۹.
- [۴۱] محسن نصری، رویکرد جامعه‌شناختی به نهضت عاشورا، مجموعه مقالات دومین کنگره بین‌المللی امام خمینی (ره) و فرهنگ

- عاشورا، دفتر دوم (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۲۷۶) ص ۶۵۰.
- [۴۲] همان، ص ۶۵۹. به نقل از: علامه تهرانی، لمعات الحسین (ع)، ص ۱۳.
- [۴۳] آل عمران (۳) آیه ۲۸.
- [۴۴] دائرة المعارف تشیع، ذیل کلمه تقیه.
- [۴۵] رضا موسوی، اسوه تقیه مقتدای متقین، مجموعه مقالات. همان، ص ۵۹۹.
- [۴۶] زهیری، همان، ص ۲۲۲.
- [۴۷] اصول کافی، ج ۱، ص ۵۴.
- [۴۸] محدثی، همان، ص ۴۴، به نقل از: حیاة الامام الحسین بن علی، ج ۲، ص ۳۲۲.
- [۴۹] همان، ص ۱۹۱، به نقل از تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۰۴.
- [۵۰] همان، ص ۲۲۲، به نقل از: سبط بن الجوزی، تذکره الخواص، ص ۲۱۷.
- [۵۱] صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۴۸.
- [۵۲] همان، ج ۲، ص ۲۰۸.
- [۵۳] همان، ج ۲۱، ص ۴۱.
- [۵۴] همان، ص ۳۱.
- [۵۵] محدثی، همان، ص ۱۱۵، به نقل از: معانی السبطين، ج ۲، ص ۱۸.
- [۵۶] همان، ص ۱۱۶، به نقل از: مناقب، ج ۴، ص ۶۸.
- [۵۷] همان، ص ۱۸۷، به نقل از: موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۳۳۶.
- [۵۸] همان، به نقل از مفاتیح الجنان.
- [۵۹] صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۱.
- [۶۰] همان، ج ۲۰، ص ۲۳۶.
- [۶۱] همان، ج ۱۴، ص ۲۶۶.
- [۶۲] همان، ج ۱۵، ص ۱۵۴.
- [۶۳] همان، ج ۲۰، ص ۱۱۳.
- [۶۴] همان، ج ۲۱، ص ۱۹۸.
- [۶۵] محدثی، همان، ص ۱۸۲، به نقل از: بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۷ و تحف العقول، ص ۲۳۹.
- [۶۶] همان، به نقل از مفاتیح الجنان.
- [۶۷] همان، به نقل از: شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۳۹.
- [۶۸] نور، ج ۲۰، ص ۱۴۵.
- [۶۹] همان، ص ۱۸۹.
- [۷۰] همان، ص ۱۹۰.
- [۷۱] همان، ص ۱۹۱.
- [۷۲] همان، ج ۲، ص ۲۱۸.
- [۷۳] همان، ج ۷، ص ۳۶.

- [۷۴] همان، ج ۱۷، ص ۵۸.
- [۷۵] سید جعفر شهیدی، عاشورا، راهگشای تشیع، همان، ص ۱۰۸.
- [۷۶] محدثی، همان، ص ۷۷، به نقل از تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۰۳.
- [۷۷] همان، ص ۲۲۲، به نقل از: دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۴۶.
- [۷۸] شمس الدین، همان، ص ۱۷۲.
- [۷۹] ابوالفضل اردکانی، پیامدهای عاشورا (قم: منبع، ۱۳۸۰) صفحات مختلف.
- [۸۰] وصیت نامه حضرت امام خمینی (ره).
- [۸۱] همان.
- [۸۲] جواد منصوری، سیر تکوینی انقلاب اسلامی (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۹) ص ۱۸۰.
- [۸۳] همان، ص ۱۸۲.
- [۸۴] همان، ص ۱۹۵.
- [۸۵] همان، ص ۲۸۶.
- [۸۶] زهیری، همان، ص ۳۷۳.
- [۸۷] منصوری، همان، ص ۳۱۰.
- [۸۸] همان، ص ۳۳۰.
- [۸۹] همان، ص ۳۳۹.
- [۹۰] همان، ص ۳۳۳.
- [۹۱] همان، ص ۳۶۶.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

